

آواز دُهل

پژوهشی در تعالیم منتسب به
میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاءالله

دفتر چهارم

دین باید مطابق علم و عقل باشد

مسعود بسیطی، زهرا مرادی

نشر بارفشان، تهران، ۱۳۹۱

سرشناسه

عنوان و نام پدیدآور

مشخصات نشر

مشخصات ظاهری

شابک

وضعیت فهرست نویسی

یادداشت

مندرجات

عنوان دیگر

موضوع

موضوع

شناسه افزوده

رده بندی کنگره

رده بندی دیویی

شماره کتابشناسی ملی

بسیطی، مسعود، ۱۲۵۴ -

آواز دهل: پژوهشی در تعلیم متناسب به میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاءالله/

به قلم مسعود بسیطی، زهرا مرادی،

تهران: بهار افشان، ۱۳۹۱.

۱۲ ج: مصور؛ ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.

دوره: ۶-، ۶۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال:

ج. ۱-۳: ۶۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال:

ج. ۳-۷: ۶۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال:

ج. ۵-۱: ۶۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال:

ج. ۷-۵: ۶۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال:

ج. ۹-۶: ۶۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال:

ج. ۱۱-۲: ۶۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال:

ج. ۲-۰: ۶۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال:

ج. ۴-۴: ۶۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال:

ج. ۶-۸: ۶۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال:

ج. ۸-۲: ۶۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال:

ج. ۱۰-۵: ۶۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال:

ج. ۱۲-۹: ۶۶۴-۶۰۰-۹۷۸-۳۰۰۰۰ ریال:

فیا

کتابنامه.

ج. ۱-۰: تئوری حقیقت و ترک تقلید-

ج. ۲-۰: دین باید سبب لذت و محبت باشد-

ج. ۵: ترک تمسک باشد-

ج. ۷: بیت‌المملک و محکماتی کبری،-

ج. ۹: وحدت لسان و خط برای عالمان،-

ج. ۱۱: صلح عمومی و تحریم جنگ،-

پژوهشی در تعلیم متناسب به میرزا حسینعلی نوری معروف به بهاءالله.

بهاءالله، حسینعلی بن میرزا نزرگ، ۱۲۲۱-۱۳۰۹، - تعلیم

بهائیتگری

مرادی، زهرا، ۱۲۵۸ -

BP ۳۹۵/۵ ب ۱۳۹۱

۲۹۷/۵۶۴

۲۷۷۳۸۰۶

ج. ۲: وحدت عالم انسانی،-

ج. ۴: دین باید مطابق علم و عقل باشد-

ج. ۶: تعدیل میثت عمومی،-

ج. ۸: تعلیم و تربیت عمومی و اجباری،-

ج. ۱۰: تساوی حقوق رجال و نساء،-

ج. ۱۲: جهان بشری محتاج نفقات روح القدس است.

آواز دهل/۴: دین باید مطابق علم و عقل باشد

به قلم: مسعود بسیطی، زهرا مرادی

انتشارات: بهار افشان، پخش: ۱۸ ۵۵۵۷۸۳ / ۰۲۱ ۹۱۱۸۴۱۳۴۲۲

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۴۰-۰۴-۴

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱ ش

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

فهرست

- تعلیم چهارم: دین باید مطابق علم و عقل باشد ۹
- مقدمه ۱۱
- دیدگاه نخست: آیا این تعلیم نازکی دارد و پیش از اعلان بهاییان، شنیده نشده بود؟ ۱۹
- دیدگاه دوم: آیا بهاییان و در رأس آنها رهبران شان بر طبق این تعلیم رفتار کرده‌اند؟ ۲۳
- تلنگر نخست ۲۴
- تلنگر دوم ۲۵
- فرمایشات خلاف علم و عقل باب ۳۰
- فرمایشات خلاف علم و عقل بهاء الله ۳۰
- فرمایشات خلاف علم و عقل عبدالبهاء ۳۵
- دیدگاه سوم: آیا اساساً این تعلیم از نظر عقل و منطق صحیح است؟ ۴۱
- بخوانیم و بیاندیشیم! ۵۱
۱. آیا تعلیم "دین باید مطابق علم و عقل باشد"، جدید است؟ ۵۳

۲. اگر دین با عقل مطابق نبود، مشکل از دین است یا عقل؟ ۵۴
۳. آیا با عقل می‌توان به عرفان الهی رسید؟ ۵۵
۴. اهمیت علم یا حرمت خواندن کتب غیر بابی؟ ۵۶
۵. اهمیت علم یا نابودی تمامی کتب غیر بابی و قدیمی؟ ۵۷
۶. باییت، جهل است یا دین؟ ۵۸
۷. آیا نابودی زیارتگاه‌های مقدس زمین، عقلانی است؟ ۵۹
۸. آیا تصرف اموال غیر بابیان و کشتن آنها، عقلانی است؟ ۶۰
۹. آیا بهائیت، دینی الهی است؟ ۶۱
۱۰. آزادی علمی ممدوح است یا نشانه‌ی جهالت؟ ۶۲
۱۱. جایگاه دانشمند غیر بابی نزد بهائیان چیست؟ ۶۳
۱۲. سطح علمی بهاء الله و تبدیل شدن مس به طلا پس از هفتاد سال! ۶۴
۱۳. تطابق بهائیت با علم زیست‌شناسی: خلق خود به خودی موجودات! ۶۵
۱۴. تطابق بهائیت با علم فیزیک: آینده‌ی محدب، حرارت را در یک نقطه جمع می‌کند! ۶۶
۱۵. تطابق بهائیت با علم شیمی: عنصر آب معنی هیدروژن و کربن! ۶۷
۱۶. بین حیوانات نر و ماده امتیازی هست یا خیر؟ ۶۸
- جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ۷۱
- فهرست منابع ۷۳



روند بررسی تعلیم در این کتاب،
بر اساس سه دیدگاه زیر می‌باشد:

دیدگاه نخست:

آیا تعلیم بهایی،
گفته‌هایی کاملاً جدیدند؟

دیدگاه دوم:

آیا خود بهاییان و خصوصاً سران ایشان،
به این تعلیم عامل بوده‌اند؟

دیدگاه سوم:

آیا اساساً خود تعلیم، از نظر عقل و منطق
تعلیم درستی می‌باشند؟



تعلیم چهارم: دین باید مطابق علم و عقل باشد



« تعلیم چهارم حضرت بهاء الله آنکه دین باید مطابق علم باشد. زیرا خدا عقل به انسان داده تا حقایق اشیاء را تحقیق نماید. اگر مسائل دینیّه مخالف عقل و علم باشد، وهم است. زیرا مقابل علم جهل است. و اگر بگوئیم دین ضدّ عقل است، مقصود این است که دین جهل است. لابد دین باید مطابق عقل باشد تا از برای انسان اطمینان حاصل شود. اگر مسئله ای مخالف عقل باشد، ممکن نیست از برای انسان اطمینان حاصل گردد. همیشه متزلزل است.^۱ »



۱- افندی، عباس | عبدالجباء | خطابات، تهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، ۱۲۷۰ بدیع، ج ۲، ص ۱۴۷.

مقدمه

مقصود از تطابق دین با علم و عقل، این است
که دینی که با عقل و علم مخالف باشد، وهم
است، نه دین.

عبدالبهاء می‌گوید:

"بین اهل علم و دین، پیوسته جنگ و اختلاف بوده است. حضرت بهاء الله اعلان نمود که باید دین مطابق علم باشد ... عقل، نخستین استعداد انسان است و دین الهی نیز با آن مطابق است. حضرت بهاء الله این نوع جدال و اختلاف را از میان برداشتند و علم و دین را مطابق دانستند."^۲

یکی از تعالیم دوازده گانه که بهائیان پیرامون آن تبلیغات وسیعی کرده و آن را از شاه کارهای فکری این آیین می‌دانند، تطابق دین با علم و عقل است.

بهائیان، ادعا می‌کنند عقاید بهائیت بر پایه‌ی علم و عقل استوار است و هیچگونه اختلافی بین بهائیت و علم وجود ندارد.

لذا این تعلیم، از جذاب‌ترین تعالیم برای جوانان بهایی می‌باشد. زیرا با کمال افتخار اعلام می‌کنند دینی را برگزیده‌ایم که بر خلاف سایر ادیان، هم با علوم و پیشرفت‌های بشری همراه است و هم با همه داده‌های عقلانی تطابق دارد.

البته جذابیت این شعار بر کسی پوشیده نیست. اما اگر این فتوای بهاء الله را بپذیریم، به ناچار به نتایج زیر می‌رسیم:

۲- کاب، استن وود. آرامش برای جهان پر آشوب. ترجمه‌ی جمشید فتایان، دهلی نو: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات مرآت، چاپ پنجم، ۱۹۹۴. صص ۱۵۹ و ۱۶۰. (به نقل از عبدالبهاء)

۱. هیچ نکته‌ای خلاف عقل در مجموعه‌ی متون بهایی خصوصاً آثار رهبران این فرقه نباید وجود داشته باشد.
۲. هیچ نکته‌ی غیر علمی یا متناقض با انواع دانش‌های روز در بهائیت نباید وجود داشته باشد.
۳. اگر موردی خلاف علم و عقل در بهائیت یافت شود، بهائیان باید از دین خود دست بکشند، زیرا بر اساس اعتقاد آنها، دین‌شان دیگر دین نیست.



اگر فتوای بهاءالله مبنی بر اینکه "دینی که با عقل و علم تطابق نداشته باشد، دین نیست" را بپذیریم به این نتیجه می‌رسیم که اگر در بهائیت موردی متناقض با علم و عقل یافت شود، بهائیت از ماهیت دین خارج می‌شود و وهم نامیده می‌شود.



بهاییان، هنگامی که می‌خواهند از این تعلیم در تبلیغات خود استفاده نمایند، بر ادیان دیگر خرده می‌گیرند که با علم امروز همخوانی ندارند^۲ و تنها بهائیت است که می‌تواند به نیازهای بشر امروز پاسخ گوید^۳. اما هرگاه همین اشکال متوجه بهائیت می‌شود، می‌گویند مشکل از دین نیست، از فهم شماس^۴.

در واقع بهائیان با شعار لزوم تطابق دین با علم و عقل و ادعای به روز بودن بهائیت، توجه جوانان را به سوی آیین خویش جلب می‌کنند. آنها می‌گویند:

۳- به طور مثال می‌گویند: "اسلام که تاکنون با مباحثات و نیرومندی خود را به پیش برده است اینک در زیر ضربات دانش علمی جدید مواجه با مصیبت شده است. همان دانش علمی که ناقوس مرگ سیستم‌های مذهبی همه ادیان بزرگ را به صدا در آورده است. مسلمان تحصیل کرده و روشنفکر به سرعت از دین خود دور می‌شوند ... آنان که هنوز تمسک و تعلق به مذهب خویش نشان می‌دهند در پی آنند که اصلاحاتی انجام دهند تا اسلام را با علوم جدید هماهنگ سازند" ^۵ کتاب استن وود. *آرامش برای جهان پر آشوب*. ترجمه‌ی جمشید فنیایان، دهلی نو: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات مرآت، چاپ پنجم، ۱۹۹۴. صص ۷۶ و ۷۷؛ و "هر چیز در عالم لابد از تغییر است و این تغییر و تبدیل لازمه حیات است ... جمیع ادیان عالم تابع همین قانون هستند. تاسیس می‌شوند، رشد می‌کنند، توسعه می‌یابند، رسالت خود را به اتمام می‌رسانند و چون به اوج خود رسیدند آنگاه رو به انحطاط می‌نهند و پایان می‌پذیرند" ^۶ همان کتاب، ص ۷۴.

۴- "جمیع امور تجدد یافته پس باید که حقیقت دین الهی نیز تجدد یابد تقالید بکلی زایل شود و نور حقیقت بتابد تعالیمی که روح این عصر است ترویج گردد و آن تعالیم حضرت بهاءالله که مشهور آفاق است و نفعات روح القدس است" ^۷ افندی، عباس (عبدالبهاء)، مکاتیب. مصر: مطبعه کردستان الطاییه (ناشر فرج الله ذکی الکردی)، ۱۳۴۰ ق. ج ۳، ص ۳۳۲.

۵- "هر چیزی را بمیزان علم و عقل باید موازنه کرد زیرا دین و عقل یکیست ابدًا از هم جدا می‌شود لکن شاید عقل ضعیف ادراک نتواند آنوقت قصور از دین نیست از نقصان عقل است" ^۸ اشراق خاوری، عبدالحمید. پیام ملکوت. دهلی نو: مؤسسه ملی مطبوعات امری هند، ۱۹۸۶ م. ص ۹۳. (به نقل از عبدالبهاء)؛ و "هرجا بین علم و دین اختلاف ظاهر شود علت آن خطای ماست" ^۹ اسلمنت، ج. ای. بهاءالله و عصر جدید. ترجمه‌ی ع. بشیر الهی و دیگران، برزیل: دارالنشرالبهائیه، ۱۴۵ بدیع (۱۹۸۸ م). ص ۲۲۱.

"چون نهضت بهائی با عقل مطابق است و از علم دفاع میکند و از عقاید موروثی گذشته کاملاً آزاد است ... لذا نهضت بهائی در سراسر جهان در بین طبقات دانشجو نفوذی عجیب دارد".

اما هنگامی که از ایشان می‌پرسند علم بشر، همیشه دستخوش تغییر و تحول است، با این حساب این دین قرار است با کدام یک از نظریه‌های علمی مطابقت کند، پاسخ می‌دهند: منظور ما از علم، علم حقیقی است؛ نه علم بشری؛ منظور ما از عقل، عقل کل الهی است و نه عقل بشر؛ آنها می‌گویند:

بهائیت با عقل و علم الهی مطابق است و اگر تعلیم یا حکمی در بهائیت بود که با عقل و علم امروز بشر مطابق نبود، نقص از علم و عقل بشر است.^۶

بدین ترتیب، ایشان تغییر جهت داده، می‌گویند:

این علمی که بشر به آن رسیده و عقلی که انسان دارد، مصون از خطا نیست.^۷ درست است که دین باید با علم و عقل تطابق داشته باشد ولی

۶- کتب، استن وود، *ارشاد برای جهان پر آسوب*، ترجمه‌ی جمشید قایمیان، دهلی نو: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات مرآت، چاپ پنجم، ۱۹۹۳، ص ۱۶۰.

۷- "مقصود از علم، علم حقیقی و مقصود از عقل، عقل کلی الهی است که دین باید با آن مطابق باشد"؛ اشراق خاوری، عبدالحمید، *پیام ملکوت*، دهلی نو: مؤسسه ملی مطبوعات امری هند، ۱۹۸۶، ص ۹۱. (به نقل از عبدالیهاء)

۸- "هرجا بین علم و دین اختلاف ظاهر شود علت آن خطای ماست"؛ اسلمنت، ج. ای، *بهائیان و عصر جدید*، ترجمه‌ی ع. بشیر الهی و دیگران، برزیل: دارالنشرالبهائیه، ۱۴۵ بدیع (۱۹۸۸ م)، ص ۲۲۱.

۹- "عقول جزئیة بشریة مصون از خطا نیستند"؛ اشراق خاوری، عبدالحمید، *پیام ملکوت*، دهلی نو: مؤسسه ملی مطبوعات امری هند، ۱۹۸۶ م، ص ۹۳. (به نقل از عبدالیهاء)

مراد، علم و عقل خدایی است، نه بشری. اگر مطلبی در دین بود که با علم و عقل انسان مطابق نبود، نباید به دین خرده گرفت. باید دانست که یقیناً اشکال از خطای بشری است.^{۱۰}

ایشان به کلی فراموش می‌کنند در تبلیغات‌شان، مقصود خود را از علم، تکنولوژی روز بشر معرفی نموده^{۱۱}، عقل را عقل انسان این عصر دانسته و ادیان دیگر را به سبب قدیمی بودن‌شان، فاقد ارزش معرفی کرده بودند.^{۱۲}

با این حساب، ارجحیت بهائیت بر ادیان چیست؟ کدام دینی می‌گوید احکام و محتوایش غیر عقلانی و غیر علمی است؟ کدام دینی می‌گوید اگر موردی در دین بود که با عقل و علم بشر متعلق نبود، مشکل از آن دین است؟

۱۰- "هر چیزی را بمیزان علم و عقل باید موازنه کرد زیرا دین و عقل یکیست ابداً از هم جدا نمیشود لکن شاید عقل ضعیف ادراک نتواند آنوقت قصور از دین نیست از نقصان عقل است؛ همان کتاب، ص ۹۳. (به نقل از عبدالبهاء)؛ و "هرجا بین علم و دین اختلاف ظاهر شود علت آن خطای ماست؛ اسلمنت، ج. ای. بهاءالله و عصر جدید ترجمه‌ی ع. بشیر الهی و دیگران، برزیل: دارالشرایع‌البهائیه، ۱۴۵ بدیع (۱۹۸۸ م). ص ۲۳۱.

۱۱- در دیدگاه سوم همین تعلیم، به نمونه‌هایی از سخنان عبدالبهاء که علم را دانش بشری تعریف کرده، اشاره کرده‌ایم.

۱۲- به طور مثال می‌گویند: "اسلام ... اینک در زیر ضربات دانش علمی جدید مواجه با مصیبت شده است. همان دانش علمی که ناقوس مرگ سیستم‌های مذهبی همه ادیان بزرگ را به صدا درآورده است؛" کاب، استن وود. آرامش برای جهان پر آشوب. ترجمه‌ی جمشید فناییان، دهللی نو: مؤسسه‌ی چاپ و انتشارات مرآت، چاپ پنجم، ۱۹۹۴. صص ۷۶ و ۷۷.؛ و "هر چیز در عالم لابد از تغییر است و این تغییر و تبدیل لازمه حیات است ... جمیع ادیان عالم تابع همین قانون هستند. تاسیس می‌شوند. رشد می‌کنند. توسعه می‌یابند. رسالت خود را به اتمام می‌رسانند و چون به اوج خود رسیدند آنگاه رو به انحطاط می‌نهند و پایان می‌پذیرند؛ همان کتاب، ص ۷۴.؛ (به نقل از عبدالبهاء)

در دیدگاه سوم، با تفصیل بیشتری این موضوع را توضیح خواهیم داد، اما اکنون طبق روال همه‌ی فصول، ابتدا به بررسی جدید بودن یا نبودن این تعلیم می‌پردازیم:

www.ketab.ir